

دورنمای وحشتناک سال ۲۰۰۰

جمعیت کشورهای در حال توسعه تا پایان قرن به پنج میلیارد نفر بالغ خواهد شد!

با وجود فمالتیهای گسترده سازمان ملل متحد برای کنترل افزایش خطرناک جمعیت جهان که با اعلام سال ۱۹۷۴ بعنوان سال جمعیت و تشکیل کنفرانس جهانی جمعیت در بخارست شکل گرفت، در دهه ۱۹۷۰ ممکن است با بالاترین میزان افزایش جمعیت تمام تاریخ بشر روبرو باشیم، میزان افزایشی حتی بیش از آنچه در آینده خواهیم داشت.

کاهش مرگه و میر همراه با میزان مولیدی که در کشورهای در حال توسعه هنوز در سطح بالاست، باعث گسترش بی سابقه جمعیت جهان می شود. در آخرین پیش بینی های سازمان ملل متحد برای پایان قرن، تسایح چنین رشدی آشکارا به چشم می خورد. در این پیش بینی ها تصریح شده که گرایشهای رشد جمعیت جهان در آینده تا مدتها تحت تأثیر گرایشهایی خواهد ماند که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد.

باید یاد آور شد جمعیتی که سالانه ۲ درصد افزایش می یابد، در هر ۳۵ سال دو برابر خواهد شد.

... اما تقریباً تمامی کشورهای در حال توسعه میزان افزایش جمعیتی برابر یا بالاتر از ۲ درصد دارند.

بر طبق پیش بینی های حد واسط، این میزان می باید، سالانه در حدود ۲ تا ۲٫۱ درصد طی دهه باشد؛ ۱٫۱ در مناطق پیشرفته و ۲٫۴ تا ۲٫۵ درصد در مناطق دیگر.

بر حسب همین پیش بینی ها که نماینده محتمل ترین گرایشهاست، جمعیت کل جهان می باید، بطور منظم، با میزان ۲ درصد در سال، تا ۱۹۸۵ ادامه یابد. و از آن پس کاهش خواهد یافت و در حدود پایان قرن به ۱٫۷ درصد خواهد رسید اگر بخواهیم این افزایش را به ارقام مطلق بیان کنیم باید بگوئیم که جمعیت جهان که در ۱۹۷۳ در حدود ۴ میلیارد نفر بوده، در ۱۹۸۰ به ۴٫۵ میلیارد، در ۱۹۹۰ به ۵٫۴ میلیارد، و در سال ۲۰۰۰ به ۶٫۵ میلیارد نفر خواهد رسید. جمعیت کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۰۰ دو برابر خواهد شد و به ۵ میلیارد نفر، یعنی به بیش از سه برابر ۱٫۵ میلیارد نفری که برای کشورهای پیشرفته پیش بینی شده است، خواهد رسید.

بالاترین میزان رشد جمعیت طی این دوره در جنوب آسیا پیش بینی می شود، یعنی در منطقه ای که هم اکنون يك سوم جمعیت جهان

قیاس با سایر مناطق در حال توسعه است. این رشد سپس در حدود اواخر قرن به ۲/۶ تنزل خواهد یافت، در جنوب آسیا، میزان بسیار بالای کنونی بویژه نمودار باروری بسیار زیاد است. کاهش تدریجی پیش‌بینی شده در این منطقه، میزان افزایش سالانه را در حدود سال ۲۰۰۰ به ۲ درصد خواهد رساند.

در آفریقا کاهش باروری برای مدت‌زمانی بعد پیش‌بینی شده است. افزایش جمعیت این قاره ممکن است از مرز ۳ درصد، طی سال‌های ۱۹۸۰ بگذرد و پس از آن کمی کاهش یابد. تا سالهای پس از آغاز قرن بیست‌ویکم، آفریقا هم‌چنان بالاترین افزایش جمعیت را خواهد داشت.

هم‌چنین ممکن است این قاره تنها منطقه‌ای باشد که ساختمان سنی جمعیت آن که هم‌اکنون نیز برای رشد و توسعه نامناسب است از این هم وخیم‌تر شود و طی دهه‌های آینده درصد ثابت و حتی در حال افزایشی از کودکان را شامل گردد.

در پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان یعنی در چین ظاهراً جلوگیری از باروری بسیار رواج دارد. در دوره ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ میزان افزایش جمعیت به ۱/۸ درصد تخمین زده می‌شود از سوی دیگر اطلاعات تازه‌تر میزان افزایشی در حدود ۳ درصد را در پاره‌یی از کشورهای در حال توسعه آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا نشان می‌دهند.

این کشورها عبارتند از: الجزایر، کنیا، لیبیا، لیبی، مراکش، رودزبای جنوبی، سودان و تونس در آفریقا، در آمریکای لاتین کوستاریکا، جمهوری دومینیکن، آلمان‌وادور، هندوراس، مکزیک، کلمبیا، اکواتر، پاراگوئه، پرو، سورینام، ونزوئلا در آسیا، عراق، اردن، کویت، مالزیای شرقی

دا در خود جای داده است: بزرگترین سهم از این رشد متعلق به هند خواهد بود. جمعیت این کشور از ۴۸۷ میلیون نفر در ۱۹۶۵ به نزدیک ۱۱۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ خواهد رسید یعنی افزایشی به میزان ۱۲۳ درصد طی ۳۵ سال خواهد داشت. در آن وقت کل جمعیت جنوب آسیا ۱۴۰۰ میلیون نفر بیش از جمعیت آن در ۱۹۶۵ خواهد بود و بدین ترتیب ۴۳ درصد از کل افزایش جمعیت جهانی را شامل خواهد شد.

پس از آن، بزرگترین میزان رشد جمعیت را خاور آسیا خواهد داشت. حتی اگر آهنگ رشد ملایمی را برای این منطقه در نظر گیریم، باز تعداد جمعیت بر حسب رقم مطلق بسیار زیاد خواهد بود. به عنوان مثال جمعیت چین از ۷۰۰ میلیون نفر در ۱۹۶۵ به ۱۲۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ بالغ خواهد شد افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز در آمریکای لاتین - از ۲۴۶ به ۶۵۲ میلیون نفر - و در آفریقا از ۳۰۳ به ۸۱۸ میلیون نفر - پیش‌بینی می‌شود.

میزان رشد ۲ درصد کنونی بی‌شک ابدی نخواهد بود. اگر قرار باشد این آهنگ ادامه یابد، ارقام به پرواز درخواهند آمد و یک قرن کافی است تا جمعیت جهان به ۲۸ میلیارد نفر سر بزنند. با میزان افزایش اندکی در حد ۱ درصد پس از سال ۲۰۰۰، به شرط آنکه ادامه پیدا کند، جمعیت جهان در سال ۲۰۷۴ به حدود ۱۴ میلیارد نفر خواهد رسید.

در میان تمام مناطق بزرگ در وضع حاضر آمریکای لاتین و جنوب آسیا بالاترین آهنگ افزایش جمعیت را دارند. در آمریکای لاتین میزان بسیار بالای ۲/۸ تا ۲/۹ تا سال ۱۹۸۵ به احتمال زیاد حفظ خواهد شد - این آهنگ زیاد ناشی از میزان مرگ و میر نسبتاً کم در

هنوز کم بود. در هر دو نوع از کشورها متوسط سالانه به ۳۵ مرگ و میر ۴۰ زاد و ولد نسبت به هر هزار نفر بالغ می‌شد، اما پس از سال ۱۸۵۰ در کشورهایی که پیشرفته بودند، میزان مرگ و میر بتدریج به ۲۸ در هزار (۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰) و بعد به ۱۰ در هزار (از ۱۹۵۰) به بعد کاهش یافت.

در مناطق کم‌رشد، میزان مرگ و میر در فاصله سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ هنوز ۳۲ در هزار بود، به عکس پس از سال ۱۹۶۰ این میزان به ۱۷ در هزار رسید. در این مناطق کاهش میزان مرگ و میر يك قرن دیرتر تحقق پذیرفت و اکنون با سرعت حیرت‌آور پیش می‌رود.

این روند در آینده نیز بگونه‌ی شگفت‌انگیز ادامه خواهد یافت. انتظار می‌رود که امید به زندگی در بدو تولد، در این مناطق ظرف ۳۰ سال آینده، بیش از پانزده سال بطور متوسط، افزایش یابد. در پایان قرن احتمال می‌رود که میزان مرگ و میر به ۷ یا ۸ در هزار کاهش پذیرد.

در پاره‌ای کشورهای در حال توسعه، که در مجموع جمعیت جوانی دارند، میزان مرگ و میر به حد کشورهای پیشرفته، که دارای جمعیت سالمندتری هستند، رسیده‌است. پائین‌ترین میزان مرگ و میر تمامی جوامع بشری یعنی میزان ۵ در هزار ممکن است در حدود پایان قرن حاضر در برخی کشورهای پیشرفته بدست آید.

امر قابل توجهی که در تحولات اخیر مرگ و میر باید در نظر گرفت آنست که در پاره‌ی کشورهای بسیار پیشرفته صنعتی میزان مرگ و میر هم اکنون به سطح بسیار نازلی رسیده و بیماری‌های عفونی کاملاً مهار شده‌اند. در این

مفولستان، پاکستان، فیلیپین، سوریه، تایلند.

بدیهی است که تمرکز جمعیت نیز افزایش می‌یابد. در فاصله سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ بر تعداد ساکنان در هر کیلومتر مربع ۶۳ نفر در جنوب آسیا و ۵۶ نفر در ژاپن، اضافه شد. دهمین دوره در حوزة کارائیب ۳۸ نفر و در جنوب شرقی آسیا چین و اروپای غربی بر تعداد ساکنان غربی در هر کیلومتر مربع ۲۴ تا ۲۶ نفر افزوده شد. در آفریقای جنوبی شوروی، امریکای شمالی و منطقه مستدل امریکای جنوبی این افزایش از ۳ نفر در کیلومتر مربع تجاوز نکرده است.

یکی از بزرگترین کامیابی‌های تمدن همان چیزی است که می‌توان مهار کردن مرگ و میر نامید، و آن عبارت است از پیشروی منظم به سوی غلبه بر بیماریها و قحطی.

در آغاز این قرن، امید به زندگی در کشور های پیشرفته هنوز از ۴۵ تا ۵۰ سال تجاوز نمی‌کرد.

امروزه در بیشتر کشورهای پیشرفته این امید به ۷۰ سال و بیشتر رسیده و در ساکنانیناوی این رقم در حدود ۷۶ سال است. در کشورهای در حال توسعه، نیز پیشرفتی حاصل شده و امید طول زندگی افزایش یافته است. اما هنوز در بسیاری از این کشورها، مردم نمی‌توانند به بیش از ۵۰ سال زندگی دل ببندند این امر به ویژه در مورد آفریقا صادق است که در بسیاری از کشورهای امید به زندگی به چهل سال هم نمی‌رسد. در گابن و کینه این رقم نسبت به مردان به ترتیب ۲۵ و ۲۶ سال است. در مقابل امید به زندگی در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین تا ۶۰ سال هم می‌رسد.

تا حوالی سال ۱۸۵۰، اختلاف رشد جمعیت بین کشورهای پیشرفته و سایر کشورها

ها از این نظر بیشتر شده است زیرا میزان تولد در کشورهای پیشرفته بطور کلی در حدود ۲۰ در هزار است و حال آنکه در کشورهای دیگر به میزانی دو برابر و بیشتر می‌رسد.

در بسیاری کشورها که میزان باروری در آنها زیاد است، از جمله کشورهای که سیاست و برنامه‌هایی برای تحدید موالید دارند، میزان تولد از سال ۱۹۶۰ به بعد کاهش یافته است و مثلاً در سری لانکا (سیلان) از ۳۷ به ۳۰ رسیده است... البته این کاهش قابل ملاحظه است ولی جمعیت کل اینگونه کشورها در مقایسه با جمعیت کشورهای دیگری که تغییر میزان تولد در آنها ناچیز و هیچ بوده است، اهمیت زیادی ندارد.

در آفریقای غربی در منطقه‌یی که از گینه و مالی تا نیجریه و نیجریه کشیده می‌شود، میزان باروری بسیار زیاد است. در این منطقه کشورهایی وجود دارند که رشد سالانه جمعیتشان به ۳/۳ درصد و بیشتر می‌رسد. بدین ترتیب جمعیت این کشورها ظرف بیست و دو سال، دو برابر خواهد شد. در مناطق قاره‌یی آمریکای مرکزی نیز میزان باروری در همین حد است.

منطقه‌یی از آفریقا که میزان باروری بسیار کمتری دارد، در حوزه رود کنگو قرار گرفته است. در این منطقه میزان باروری به ۲/۱ تا ۲/۴ درصد تخمین زده می‌شود. هم چنین در منطقه کارائیب، با افزایش جمعیتی در حدود ۲/۵ درصد در سال، میزان باروری بسیار زیاد نیست. در آسیا، در حوزه فرهنگی چین، میزان باروری در حد اعتدال است و میزان سالانه افزایش جمعیت از ۲/۸ درصد تجاوز نمی‌کند. سنگاپور، هنگ کنگ و تایوان خود کشورهای چینی که از میزان باروری اش اطلاع چندانی در دست نیست، جزء این منطقه‌اند.

کشورها بیماریهای قلب و عروق مهم‌ترین عامل مرگ و میر بشمار می‌روند.

در پاره‌یی کشورهای جهان سوم میزان مرگ و میر کودکان به این میزان در کشورهای توسعه یافته بسیار نزدیک شده است، میزان مرگ و میر کودکان دیگر اهمیت گذشته را به عنوان یکی از عوامل نشان دهنده رشد اجتماعی و اقتصادی ندارد.

هنوز در برخی کشورها تقریباً یک پنجم کودکانی که زنده به دنیای آیند پیش از رسیدن به سن یکسالگی می‌میرند. اما سی سال پیش به این سو در پیشرفته ترین مناطق، میزان مرگ و میر کودکان از ۱۰۶ به ۲۷ در هزار و در مناطق کم‌رشد از ۲۳۰ به ۱۴۰ در هزار کاهش یافته است.

آنچه در دو قرن اخیر از میان رفته، تعادل ناپایدار میان موالید و مرسدگان بوده است. هر سال در حدود ۱۲۵ میلیون نفر بدنیا می‌آیند و تقریباً ۵۵ میلیون نفر می‌میرند. این نسبت بیش از ۲ بر ۱ است. و چهار پنجم نوزادان در کشورهای در حال توسعه بدنیا می‌آیند.

برای تمیز بین کشورهای توسعه یافته و کم توسعه کمتر عاملی بدقت اندازه باروری وجود دارد. کشورهای که میزان موالیدشان بیش از ۳۰ در هزار است و جمعیتشان سالانه بیش از ۲ درصد افزایش می‌یابد، تقریباً همه از کشورهای کم‌رشدند. یعنی کشورهای آفریقای، آسیای و آمریکای مرکزی و جنوبی. کشورهای که میزان موالید و افزایش جمعیتی کمتر از این دارند، جز در موارد استثنایی، در مناطق رشد یافته اقتصادی قرار گرفته‌اند.

در قرن ۱۹، میزان موالید در کشورهای که امروز پیشرفته محسوب می‌شوند، بنحوی محسوس پایین آمد ولی در جاهای دیگر کاهش چندانی نیافت. بدین ترتیب شکاف بین کشور-

نیاشد که جمعیت جانشین بوجود آورد یعنی کمتر از ۲ فرزند برای هر زوج باز جمعیت ممکن است طی ۷۰ سال دیگر هم چنان افزایش یابد. این زمان معادل زمانی است که کاهش حاصل شده بتواند تمامی هرم سنی را پیماید.

بنابر این بسیار بعید است که جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ بتواند به «رشد صفر» تثبیت شود برای رسیدن به این رشد باید میزان باروری بسیار پایینتر از میزان جانشینی قرار گیرد حتی اگر میزان تولید مثل خالص در کشورهای کم‌رشد به ۱ درصد در سال ۲۰۰۰ برسد. باز جمعیت این کشورها در سال ۲۰۵۰ دو - برابر و نیم خواهد شد. با میزان باروری ثابت و میزان مرگ و میری در حال کاهش، جمعیت این کشورها در سال ۲۰۵۰ ممکن است به ده برابر جمعیت کنونی برسد.

در آن تعداد از کشورهای جهان سوم که می‌کوشند از رشد سریع جمعیت جلوگیری کنند، عوامل اساسی عبارتند از تاریخ شروع کاهش در میزان موالید و سرعت این کاهش. پس از شناختن این دو عامل می‌توان پیش بینی کرد که در چه وقت میزان باروری به حد جانشینی جمعیت نزدیک خواهد شد.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه اگر اقدامی برای محدود ساختن رشد جمعیت بعمل نیاورند، ممکن است ظرف پنجاه سال جمعیتشان ۴ برابر شود. کشورهای نظیر جمهوری فدرال آلمان، جمهوری دموکراتیک آلمان اتریش و سوئد که می‌توانند به ثابت ماندن جمعیت خود امیدوار باشند، بسیار نادرند.

برای آنکه جمعیت در حد ثابتی باقی بماند غالب کشورهای پیشرفته شاید به دهها سال، و کشورهای دیگر به زمانی بسیار طولانی‌تر نیاز خواهند داشت.

در جنوب شرقی آسیا میزان افزایش جمعیت ۳/۲ درصد یا بیشتر است؛ این منطقه گروه کشورهای فیلیپین، کمبوج، تایلند و ایالات مالزی بای صبح و سراواک را شامل می‌شود. بنظر می‌رسد که در پاکستان نیز میزان باروری بسیار بالاست. ولی در تمام منطقه‌ی که شامل هند، نپال برمه و سری لانکا می‌شود این میزان پایینتر و در حدود ۲٫۵ تا ۲٫۷ درصد است. از آنجا که آمار مطمئنی در دست نیست، نمی‌توان گفت که در سالهای اخیر میزان موالید در آسیا تغییر کرده است یا نه، ممکن است این میزان در چین که یک پنجم جمعیت جهان را دارد، رو به کاهش نهاده باشد.

در قاره هند که در مقام دوم قرار گرفته است و یک هفتم جمعیت جهان را دارد، در پیش‌بینی‌های گرایش‌های بلند مدت باروری ارزش‌هایی بسیار گوناگون شده است. برخی عقیده دارند از ابتدای قرن کاهش مختصری بوجود آمده است، عده‌ی دیگری میزان موالید را ثابت می‌دانند. با توجه باینکه شرایط بهداشتی بهبود یافته و همراه با کاهش میزان مرگ و میر، از تعداد بیوه‌گان نیز کاسته شده است، بالا رفتن میزان باروری خود نشانه امیدوارکننده‌ی است...

بی‌شک در آمریکای لاتین بطور کلی کاهش مختصری حاصل شده است. اما بنظر نمی‌رسد که در آفریقا کاهش محسوسی روی داده باشد و شاید در آفریقای میانی در وضع حاضر حتی افزایشی بوجود آمده باشد، اما اطلاعات مابعدی نیست که بتوان این مطلب را تایید کرد. برای کل جهان پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۰، میزان باروری از ۳۵ به ۳۴ در هزار کاهش یابد و در همین مدت میزان مرگ و میر از چهارده به هشت در هزار برسد. با اینهمه حتی اگر باروری با اندازه‌ی